



اقتصاد مقاومتی یا ریاضتی؟!

اقتصادمقاومتی یک نسخه و الگوی دائمی و نه موقت، برای پیشرفت اقتصاد کشور و مقاوم سازی آن در مقابل فشارهای خارجی است تا اقتصاد کشور با کوچکترین تکان و فشاری مثل تحریم یا بحران‌های اقتصادی جهانی دچار مشکل نشود. اقتصاد مقاومتی مقوله‌ای کاملاً جدا از اقتصاد ریاضتی می‌باشد. اقتصاد ریاضتی یک راه‌حل و مسکن موقت در مواقع بحران برای کاهش مشکلات اقتصادی کشورها است که دولت با کاهش خدمات عمومی مثل کاهش پوشش بیمه‌ای، افزایش مالیات‌ها، افزایش نرخ حامل‌های انرژی (مثل برق و بنزین) و افزایش نرخ حمل و نقل، سعی در جبران کسری بودجه و یا تسویه بدهی خارجی‌اش دارد و مردم مجبور می‌شوند که مصارف ضروری خود را به اجبار کاهش دهند (ریاضت بکشند) و قدرت خریدشان پایین آید. برای مثال می‌توان به نسخه‌های ریاضتی که در سال‌های اخیر در کشورهایی مانند یونان و اسپانیا اجرا شد اشاره کرد. کشورهایی که شرط اتحادیه اروپا برای دادن وام به آن‌ها، برقراری برنامه اقتصاد ریاضتی بود!

اما اقتصاد مقاومتی برخلاف ریاضت اقتصادی یک نسخه اقتصادی بومی و داخلی است که هدف آن کاهش وابستگی به خارج، ایجاد عدالت و رفاه اجتماعی است. در این الگو، به جای خارج کردن پول از جیب مردم، منابعی که تا به حال بی‌استفاده بوده‌اند آزاد می‌شوند و با بهبود شاخص‌های اقتصادی مثل تورم و رکود، وضعیت زندگی مردم به رفاه نزدیک‌تر خواهد شد و فشار روی آن‌ها کاهش می‌یابد. مردم هم با مصرف درست و به جا (نه کم مصرف کردن اجباری) مثل استفاده از کالاهای تولید داخل، به رونق اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به خارج کمک می‌کنند و باعث افزایش صادرات و وارد شدن ارز و سرمایه به داخل کشور می‌شوند.



علاج واقعه
اکنون بدست
خود ماست، به
نظر می‌رسد
نباید به کدخدا
امید داشت و
نه به کسانی
که چشمشان
دنبال پول
های
کدخداست،
کدخدا فعلاً
دارد جیب ما را
می‌زند.

بازاریان تا چه زمانی منتظر بمانند؟!

زمستان بازار در انتظار آفتاب برجام!

درگیر مخاصمات بیرونی و تحریم‌های ظالمانه و از طرفی درگیر بی‌تدبیری‌های برخی مسئولان است. پس در این میان وظیفه و مسئولیت تولیدکننده و مصرف‌کننده داخلی دوچندان می‌شود. این تولیدکننده و مصرف‌کننده است که باید به فکر باشند، وگرنه امیدی به غیر نیست! تولیدکننده باید تا جایی که می‌تواند به فکر بهبود کیفیت و قیمت‌گذاری مناسب بوده و هر ایرانی نیز باید وظیفه خود بداند تا کالا و اجناس داخلی مصرف کند.

۶- علاج واقعه امروز به دست خود ماست، به نظر می‌رسد نباید به کدخدا امید داشت و نه به کسانی که چشمشان به دنبال پول‌های کدخداست، کدخدا فعلاً دارد جیب ما را می‌زند. «خدا وضع و حال هیچ قومی را عوض نخواهد کرد مگر آن که انسان‌ها خودشان وضع و حال خودشان را تغییر دهند» (رع، آیه ۱۱)

مالیات و واردات چه معنایی جز دهان کجی به بازار و تولیدکننده داخلی دارد؟ اگر دولت به فکر بسته‌های حمایت از تولید داخلی نیست، لاقلاً فشار را بر روی تولیدکننده داخلی چند برابر نکند! ای کاش به جای فشار بر روی تولیدکننده، کمی هم به دنبال کسانی باشند که سود کلانی را به جیب زده اما یک ریال هم مالیات نمی‌دهند!

۴- تولیدکننده داخلی البته باید آن قدر منصف باشد که حواسش به مصرف‌کننده داخلی بوده و در کنار افزایش کیفیت کالاهای خود، آن را به مناسب‌ترین قیمت و بهترین مسیر به دست مصرف‌کننده برساند. سخن رسول اکرم (ص) در گوش یک بازاری منصف خواهد بود که پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند: «خداوند کسی را که در کارش اتقان دارد را مورد رحمت و تفضل خویش قرار می‌دهد.»

۵- مشکلات زیادی بازاریان را آزار می‌دهد که به گوشه‌ای از آن اشاره شد، اما یادمان باشد که کشور از دو طرف

۱- بازار در تمدن اسلامی همواره در کنار مسجد جامع شهر بنا می‌شده و پیوند میان مذهب و بازار همواره پیوندی عمیق و مستحکم بوده است. علاوه بر عمق اعتقادی بازاریان به دین، در مواقع نیاز همواره بازاریان بوده‌اند که دین را یاری کرده‌اند.

۲- بازار هر کشور نبض اقتصادی آن کشور است و مانند دماسنج وضعیت کشور را نشان می‌دهد. چند وقتی است نبض کشور دچار اختلال شده و رکود و واردات نفس بازار را تنگ کرده است. از وعده ۱۰۰ روزه خیلی وقت است گذشته اما اتفاق خاصی رخ نداده و گویا آفتاب برجام هم نتوانسته است یخ بازار را آب کند و همچنان رکود پابرجاست.

۳- طنز داستان جایی بیشتر می‌شود که با اذعان تمامی مسئولان اقتصادی کشور، مالیات اخذ شده از برخی اصناف افزایش پیدا کرده‌است. در اینکه مالیات یکی از ارکان تامین هزینه‌های دولت است شکی وجود ندارد، اما در شرایطی که رکود بر همه‌جا خیمه زده، افزایش

نقش بازار و بازاریان در تحولات سیاسی اجتماع

شعور سیاسی اصناف همواره آن‌ها را در بزنگاه‌های تاریخ

سربلند کرده است.

بازار در نهضت ملی شدن صنعت نفت و نخست وزیری مصدق نقش سیاسی و اقتصادی را بر عهده داشت و از یکسو با نیروهای سیاسی همراه شد و از طرف دیگر کمک های مالی و اقتصادی خود را در تامین دولت مصدق به کار گرفت. همسویی و مشارکت عمومی بازاریان حول محور «حاکمیت ملی» و «استقلال»، از اهداف اصلی نهضت قرار داشت و تحقق حاکمیت ایران بر منابع و منافع ملی خود و کوتاه شدن دست بیگانه از دخالت بر امور داخلی خویش، برداشت بازاریان نسبت به ملی شدن صنعت نفت در بعد سیاسی و اقتصادی تلقی می شد.

نقش اصناف و بازار در دوران دفاع مقدس، نقش چند بعدی بود که از اهمیت خاصی برخوردار است. اصناف و بازاریان خدمات بسیاری از لحاظ نیروی انسانی متخصص، اجناس و مایحتاج عمومی جبهه مثل پتو، وسایل گرمایشی و سرمایه‌ی، خوراک، خودرو و غیره ... در دوران دفاع مقدس به جبهه اعزام کردند.

انقلاب مشروطه

ملی شدن صنعت نفت

انقلاب اسلامی

جنگ تحمیلی

جنگ اقتصادی

نخستین زمره‌های انقلاب مشروطه از سوی بازار شنیده شد، بازاری که نیروهای آن همان مردمی هستند که از گرانی مواد غذایی، تورم و محدود شدن کسب و کار و بازرگانی‌شان به تنگ آمده‌اند.

این بازار بود که با دفاع از حقوق خود در مقابل استبداد و سیاست‌های اقتصادی دولت (دربار) و بیگانگان، به سایر مردم اثبات کرد که می‌توان برای آزادی مبارزه کرد و در برابر استثمار و استعمار تسلیم نشد.

نمی‌توان نقش بازار را در انقلاب اسلامی سال ۵۷ در ایران نادیده گرفت. علاوه بر حمایت‌های گسترده بازاریان از گروه‌های انقلابی در دو دهه ۴۰ و ۵۰، بازاریان با ساز و کار خاصی به پیروزی انقلاب اسلامی کمک کردند. در واقع این بازار بود که از رونق اقتصادی ایران در دهه ۴۰ که به دلیلی افزایش قیمت نفت و رونق صادرات آن بود، به طور غیر مستقیم به انقلاب کمک کرد.

امروز زمان جنگ با ابزارهایی همچون تحریم است. آیا بار دیگر بازار و بازاریان

نقش آفرین خواهند بود و سربلندی دیگری را در تاریخ ایران رقم خواهند زد؟

یاد بازارهای قدیم بخیر!

آره راسته که میگن هر گوشه بازار ریش‌سفیدی یا بزرگی داشته. کسی پول کم می‌آورد یا اینکه پول نداشت خرید کنه یا اگر کسی می‌خواست کسب و کاری را شروع کنه می‌آمدند به او می‌گفتند. همه یک جور تعصبی روی ریش‌سفید بازار، روی حلال و حروم بودن کاسبی، روی ناموس مردم و روی دین و اعتقاداتشون داشتند. خلاصه بیش‌تر از این که به پول درآوردن فکر کنند به فکر گرفتن دست پیرمرد فقیری بودند که هرروز از جلوی مغازه‌شون می‌گذشت.

بیش‌تر از اینکه دنبال جلب مشتری باشند، دنبال سروسامان دادن به ازدواج جوان تازه‌کار بودند. آخه باور داشتند که روزی دست خداست نه دست بنده خدا. همیشه این آیه را با خودشون می‌خوندند: «هرکس تقوای الهی را پیشه کند، خدا راه بیرون رفتن از سختی‌ها را برای او می‌گشاید». وقتی هم با ناموس مردم برخورد داشتند با کمال حیا سرشان را پایین می‌انداختند. زمان‌هایی هم که مشتری در مغازه نبود قرآن می‌خواندند و یا می‌رفتند حوزه و «مکاسب» را با یکدیگر مباحثه می‌کردند. خداییش خیلی دل‌م برای بازارشان لک‌زده است...



بازاریان در فشار بی نظارتی اندر احوالات مالیات‌های سلیقه‌ای

گاهی اوقات این قدر بی نظارتی در میان دستگاه‌های کشور وجود دارد که هرکسی هر طور تمایل دارد رفتار کرده و در این میان افراد درست‌کار هستند که ضرر می‌کنند. مأمور بهداشت بدون توجه به ضوابط کاری و مسائل جاری در بازار وارد مغازه می‌شود و به دلیل نبود یک «چسب‌زخم» شروع به جریمه نوشتن می‌کند. هنوز از رفتن او چند روزی نگذشته که مأمور تعزیرات به همراه برگه‌های جریمه داخل شده و با نیم‌نگاهی به مغازه مبلغی را برای پر کردن برگه‌های خود نوشته و تقدیم صاحب‌مغازه می‌کند. گویی برگه پر کردن همیشه مخصوص مأموران راهنمایی و رانندگی نیست! اما نباید دسته دیگری از مأموران را که در این شوربای نظارت‌ها نقش بازی می‌کنند را فراموش کرد؛ مأمورهای امور مالیاتی هم داستان خود را دارند. بگذریم از اینکه گاهی برخی بازاریان هم متنه به خشخاش می‌زنند اما وقتی هر مأمور مالیاتی به یک شکل مالیات می‌نویسد، باید عواقب بدبینی‌های بعد از آن را هم نسبت به عدالت در دریافت مالیات ببیند. البته اگر نخواهیم از انصاف خارج شویم، عده‌ای در میان بازاریان وجود دارند که با انجام کارهایی همچون فرار از مالیات و احتکار برخی کالاها در زمان نیاز به آن‌ها، در جامعه تشویش و اضطراب را ایجاد کرده و به قانون‌گریزی دامن می‌زنند. اما مشکل آنجا است که در میان تمام اصناف و ارگان‌های دولتی نظارت موشکافانه‌ای وجود ندارد و این خودسری‌ها را نتیجه می‌دهد.





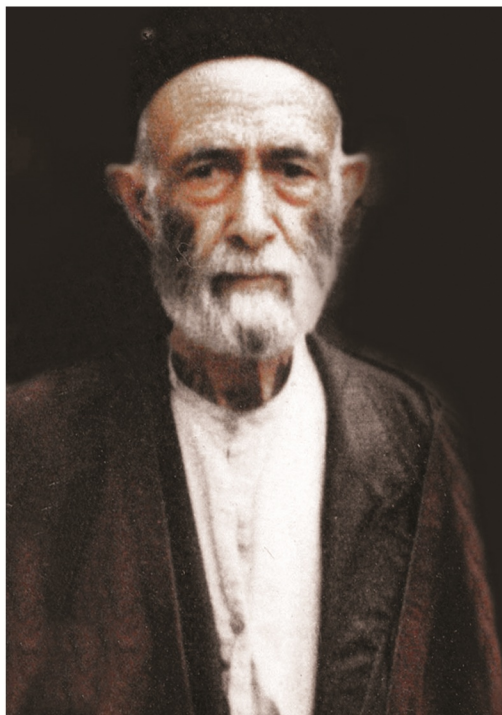
مرشد بازار

شرح حال **مرشد چلویی**،
مرد بازاری که اهل خدا بود

بیشتر کسانی که غذا بیرون می‌بردند، بچه‌ها و نوجوانانی بودند که برای کارفرمایان و صاحبان مغازه‌های بازار غذا می‌گرفتند و می‌بردند و خودشان از آن غذا محروم بودند. مرحوم، کودکی که با ظرف غذا در دست، نزد او می‌آمد؛ تکه کباب یا لقمه گوشت یا اگر تمام‌شده بود، ته‌دیگی زعفرانی داخل روغن می‌کرد و دهان آن پسر بچه یا نوجوان می‌گذاشت می‌گفت: این اطفال خودشان می‌آیند در مغازه و بوی غذاها را استشمام می‌کنند و دلشان می‌خواهد و بدین طریق من از همان غذایی که می‌برند به آن‌ها می‌چشانم تا اگر استادشان به آن‌ها نداد، لااقل چشیده باشند.

تابلوی روی دخل مغازه مرشد هم جالب بود. «نسیه و وجه دستی داده می‌شود، حتی به جنابعالی به قدر قوه». بارها مردم نیازمند، غذای رایگان می‌خوردند و پول دستی هم می‌گرفتند.

اما فقیران و مسکینان صفی مخصوص داشتند. افراد فقیری که معمولاً عائله‌مند بودند و بعضی مورد شناسایی مرحوم مرشد قرار داشتند، هر روز می‌آمدند و به نسبت تعداد عائله خود غذای رایگان و خرجی روزانه می‌گرفتند.



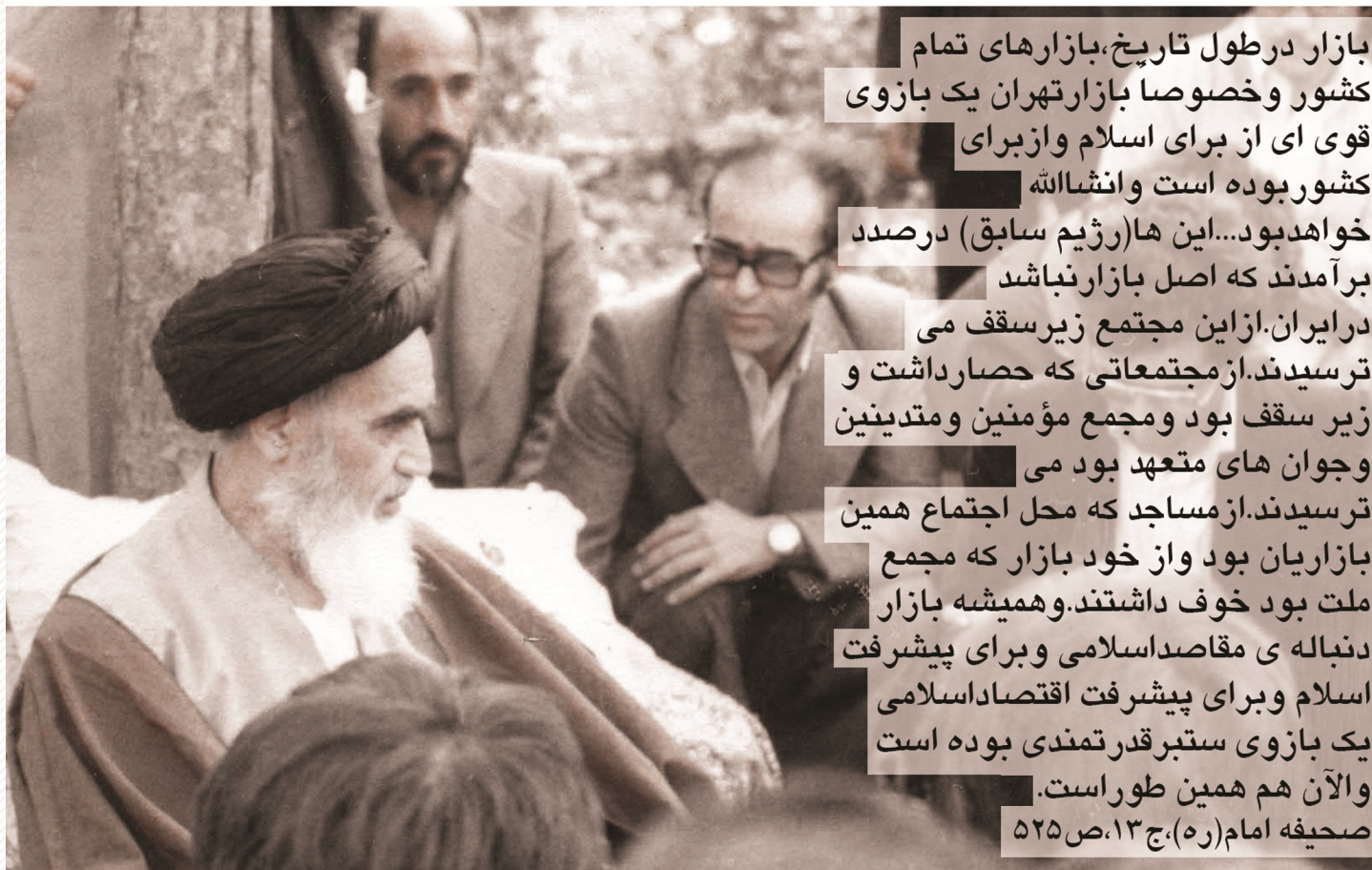
مرشد هر روز صبح به سمت مغازه راه می‌افتاد. صاحبان مغازه‌های اطراف و داخل بازار، چون حاج مرشد را می‌شناختند، به او سلام می‌کردند. مرشد پاسخ سلام آن‌ها را می‌داد و گاهی می‌گفت: «سلام بابا، باصفا باشید.»

وارد دکان که می‌شد کارگران قبلاً آمده بودند. عبای خود را درمی‌آورد و در کشوی میز می‌گذاشت. روپوش سفید بلندی به تن می‌کرد. ابتدا وضو می‌گرفت، داخل آشپزخانه می‌رفت و به غذاها سر می‌زد و برای ظهر آماده می‌کرد. هنگام ظهر پذیرایی مشتریان شروع می‌شد و تا ساعت دو الی سه بعدازظهر طول می‌کشید.

اگر غذای او کباب بود، تکه گوشتی در دهان می‌گذاشت. پس از جویدن، آن را پرت می‌کرد تا گربه‌ها هم بی‌بهره نمانند. برای نماز ظهر، گونی برنجی زیر پا می‌انداخت و مهر بزرگی را که داشت، روی آن می‌گذاشت و روی گونی نماز می‌خواند. لباسی که موقع نماز به تن داشت، همان روپوش سفیدی بود که موقع کار، تن کرده بود و عرقچینی که به سر داشت.

مرشد چلویی در جلوی آشپزخانه‌ای که ایستاده بود، گفته بود کسانی که می‌خواهند غذا بیرون ببرند، را هدایت کنند تا پیش مرشد چلویی بیایند.

صحیفه خوانی



بازار در طول تاریخ، بازارهای تمام کشور و خصوصاً بازار تهران یک بازوی قوی ای از برای اسلام و از برای کشور بوده است و انشاءالله خواهد بود... این‌ها (رژیم سابق) درصد برآمدند که اصل بازار نباشد در ایران. از این مجتمعات زیرسقف می‌ترسیدند. از مجتمعاتی که حصار داشت و زیر سقف بود و مجمع مؤمنین و متدینین و جوان‌های متعهد بود می‌ترسیدند. از مساجد که محل اجتماع همین بازاریان بود و از خود بازار که مجمع ملت بود خوف داشتند. و همیشه بازار دنباله‌ی مقاصد اسلامی و برای پیشرفت اسلام و برای پیشرفت اقتصاد اسلامی یک بازوی ستبر قدرتمندی بوده است و الآن هم همین طور است.

صحیفه امام (ره)، ج ۱۳، ص ۵۲۵

عکس نوشت



غیرت ملی

تصویر فروشگاه‌هایی را به ما نشان دادند که بالای تابولیش زده بودند: «فقط اجناس داخلی فروخته می‌شود.» بارک الله، آفرین به این مغازه دار! درمقابل، برخی فروشگاه‌های بزرگ که وابسته به دستگاه‌های حکومتی هم هستند، مملو از اجناس خارجی‌اند، چرا؟! این ظلم به کارگر ایرانی است.



خود باوری

یکی از بهانه‌های مسئولان برای واردات این است که فناوری اجناس خارجی جدید و پیشرفته است. پاسخ ما این است ما که می‌توانیم موشک با برد ۲هزار کیلومتری با خطای کمتر از ۱۰متر بسازیم، آن مغز آیا نمی‌تواند خودرویی بسازد که مصرف ۱۳ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر را برساند به ۵ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر؟! چرا به ذهن خلاق جوان‌های خودمان مراجعه نمی‌کنید؟!



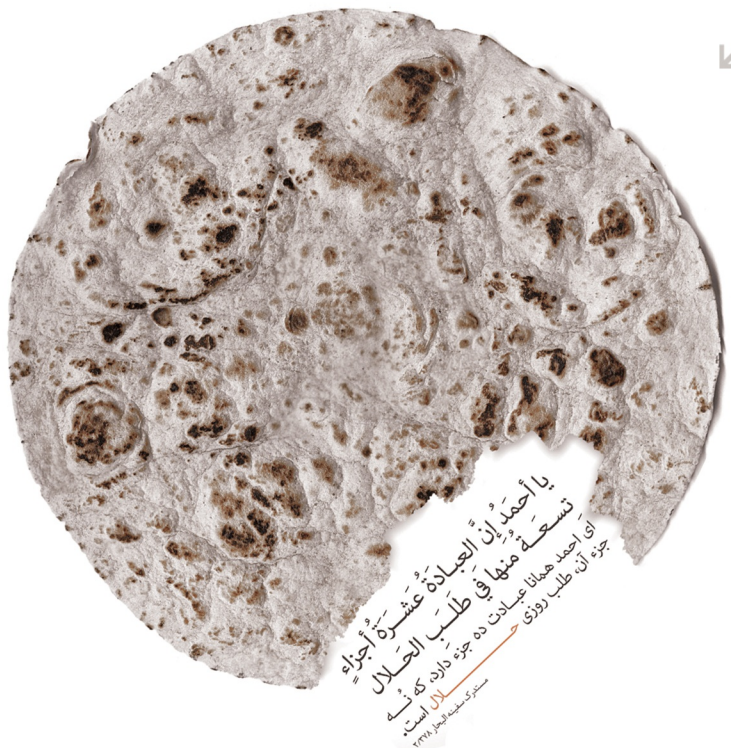
مصرف زدگی!

نمی‌دانم این که ما سالی چند میلیارد لوازم آرایشی وارد می‌کنیم راست است یا نه... نمی‌دانم این موضوع واردات خودروهای آمریکایی صحت دارد یا نه، آمریکایی‌ها خودشان هم به دلیل مصرف بالا، خودروی آمریکایی سوار نمی‌شوند، آن وقت ما برای هوس یک پول‌دار نوکیسه می‌رویم و از یک شرکت در حال ورشکستگی خودرو می‌خریم، این غلط است!

کاریکاتور



معنای ما از رکود عبور کردیم چه می‌تواند باشد؟!



آیا می‌دانید با عضویت در کانال تلگرامی فتح می‌توانید فرمت لایه باز (psd) را دریافت کنید و نشریه را به اسم مجموعه خود چاپ و منتشر کنید؟ همین الان به ما بپیوندید: @fathisu شماره فتح: ۰۹۱۰۴۹۷۰۶۲۵

تارنمای نشریه فتح: fath.basijisu.ir

رایانامه فتح: fath@basijisu.ir

کانال تلگرام @fathisu

شماره تلفن ۰۹۱۰۴۹۷۰۶۲۵

منتظر پیشنهادات و انتقادات شما هستیم

ویژه نامه گفتمان انقلاب اسلامی

ماهنامه فرهنگی سیاسی حیات - نشریه دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر مسئول: مسعود حسنلو

جانشین مدیر مسئول: علی سلیمانی

سر دبیر: سید علی شاه صاحبی

هیات تحریریه: حامد صابر / علی خورشیدی / احسان مزینانی

/ محسن رجبی / سبحان افشاریان / رضا رستمی

روابط عمومی: امیرحسین مرابیان